

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه ماعون (جله دوم)

نختم منقومی استاد اخوت ۹۴/۱۱/۲۴

به شکرانه پیروزی انقلاب صلوات.

برای این که ان شاء الله این انقلاب امتداد داشته باشد صلوات.

برای از بین رفتن آسیب ها و موانع انقلاب صلوات.

بنا شد از این جلسه افراد موضوعاتشان را درباره نماز ارائه دهند.

الف) خانم شهید زاده: نماز شاکله ای دارد که در هر مرحله از رشد متفاوت است. در این جا ما ۷ مرحله رشد را

داریم و در هر مرحله از رشد شکل نماز فرق می کند.

مولفه های نماز در دوره های رشد بررسی می شود.

این که در هر مرحله رشد باید چه وجهی از نماز به انسان آموزش داده شود و ارزیابی نماز قابل توجه است.

توضیح استاد درباره موضوع پیشنهادی: در واقع شما دستگامی دارید به نام دستگام رشد. هر موضوعی را می توانید

در این دستگام قرار داده و بررسی کنید. شما در دستگام رشد انسان موضوع نماز را مطالعه می کنید. متن اصلی شما

دستگام رشد است و موضوع نماز ارجاعی است به این متن. سیر تحول نماز در دستگام رشد مورد مطالعه شماست.

این روش، روش درستی است. شما تحول نماز را در دوره های مختلف رشد و سنین مختلف بررسی می کنید. شما

انسان را از نظر ساختاری دارای ابعاد می بینید که دوره های مختلف دارای تحول است. چون انسان در این دستگام

دارای تحول است، موضوعات حول انسان هم دچار تحول می شوند. برای این کار باید آیات و روایات نماز را

بررسی کنید و تشخیص دهید که هر کدام از آیات و روایات نماز برای کدام مرحله رشد انسان است. اگر آیات و روایات را جمع آوری کرده و قدرت تمییز دوره‌های رشد را داشته باشید این موضوع پژوهشی حدوداً ۱۵۰ الی ۲۰۰ ساعت وقت لازم دارد.

نماز بعد از مرگ هم از انسان جدا نمی‌شود. بعد مرگ از خود انسان کاری بر نمی‌آید هم نماز میت وجود دارد که دیگران باید برای انسان بخوانند.

الف) خانم کوچک زاده: اگر ریشه واژه صلاه یعنی "صلو" را در قرآن جستجو کنیم، این ریشه حدود ۹۸ بار مورد استفاده قرار گرفته شده است. سپس همه آیاتی که این ریشه در آن‌ها بکار رفته شده را دسته‌بندی کرده و برای هر یک موضوع نویسی انجام دادیم. سپس از طریق سوره مبارکه ماعون که موضوع نماز مرتبط با دین مطرح شده است، به بررسی ارتباط بین این دو واژه پرداختیم. در ابتدا واژه دین را بطور کامل مورد بررسی قرار داده و مولفه‌های معنایی آن بدست آمد و سپس به اشتراکات و بررسی رابطه این دو واژه با یکدیگر پرداخته شد. که نتایج فراوانی ازین طریق حاصل شد..

ب) توضیح استاد درباره موضوع پیشنهادی خانم کوچک زاده: ایشان از سرچ آیه قرآن استفاده کردند. می‌توان در سرچ آیات از ریشه‌ی واژه استفاده کرد که روش شما همین است. اگر دو واژه‌ی صلاه و دین را با هم سرچ کنید تعداد آیات محدودتر شده و کار شما دقیق‌تر می‌شود. بعد از اجتماعی شدن موضوع نماز در آیات بحث انفاق پیش آمد از آیه انفاق در رکوع و در پی آن بحث نفاق. از آیات یک شبکه‌ی موضوعی یا مفهومی ایجاد کرده‌اید. بحث بُعد پرهیز از نماز با کسالت. بحث محوری شما شناخت ولی در اقامه نماز است. اگر شناخت ولی اتفاق نیفتد فرد به نفاق می‌رسد. دلایل و چگونگی شناخت ولی. نقش ولی در اقامه نماز و جایگاه ولی در اخلاص در نماز. شما از آیات دیگر به نقش ولی رسیدید که این را سوره بینه هم می‌شد فهمید. در سوره بینه صحبت از یک رسول و دین و کتب قیم است که اگر این رسول نبود، دین و کتابی هم نبود. در روایات آمده که سوره بینه را منافق نمی‌تواند حفظ کند. جایگاه چند وجهی رسول در نظام عالم است که یکی از آن‌ها نقش رسول در اقامه نماز است. اطاعت از احکام دین. شما تکذیب و تصدیق دین را در قرآن تفصیل داده و جایگاه نماز را در این دو، بررسی می‌کنید.

متن ما برای این تحقیق قرآن است ولی زاویه دیدها متفاوت است. یک نفر در منظومه رشد بررسی می‌کند، یک نفر شبکه‌ای می‌بیند و یک نفر عملیاتی می‌بیند.

ج) **خانم خوش اخلاق:** نگاه عملیاتی به موضوع نماز. ابتدا نماز را بصورت ظاهری بررسی کردم. رکن‌ها و اجزای نماز. طبق این فرآیند به این نتیجه رسیدیم که نماز می‌تواند سبک زندگی دینی باشد که تمام اجزایش مطابق با نظام زندگی اجتماعی انسان باشد. عنوان‌هایی طرح کردیم: زندگی به سبک نماز، زندگی مومنانه، نماز مدرسه تعلیم عبودیت. تدبیر در اعمال نماز و پیاده‌سازی در زندگی، مثلاً در نماز، قبله و طهارت و غیره دارد زندگی هم قبله و طهارت و... نیاز دارد. در امر تفکر در نماز یکسری گمانه زنی‌هایی کردیم. با این رویکرد وارد سوره‌های قرآن شدیم. هر قسمت از ارکان نماز از جمله قرائت، رکوع، خشیت، سجده، قیام و... یک سوره را بررسی کردیم. برای

هر رکن گمانه زنی کردیم. برای خشوع سوره مومنون را انتخاب کردیم. برای قبله سوره بقره را انتخاب کردیم. البته باید آیات و روایات جمع شده و دسته‌بندی شود.

توضیح استاد درباره موضوع پیشنهادی خانم خوش اخلاق: شما قصد دارید ارکان نماز را بصورت مدل درآورده و در زندگی جاری کنید. بین ارکان نماز خشوع را آوردید در حالیکه خشوع جز ارکان نیست. ارکان نماز همان ارکان زندگی است و شناخت تفصیلی ارکان نماز، شناخت تفصیلی ارکان زندگی است.

پاسخ خانم خوش اخلاق: باید در نماز خشوع، مراقبه و حفظ نگه داریم. در واقع خشوع جزء ویژگی‌های کلی حاکم بر نماز است.

آقای چیت چیان: ایده‌ی ساختار وجودی نماز از کتاب فرآیندشناسی حکمت گرفته شد که در آن ۴ رکن مطرح شده است. آقای اخوت فرمودند که نقشه‌ی کلی ساختار وجودی نماز را بکشید تا در فرصتی نقشه پر شود.

طبق مدلی که خانم خوش اخلاق مطرح کردند، نماز کل زندگی انسان می‌شود و چیزی که از انسان می‌ماند نماز است و **اعْلَمُ أَنْ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعُ لِصَلَاتِكَ** (بحار الانوار ج ۳۳ ص ۵۸۲). لذا تمام زندگی انسان را گرفته است نماز و مولفه‌های نماز را در ساختاری قرار داده‌ایم.

نوع اول دسته بندی: در نماز یکسری مقدمات وجود دارد و از بین مقدمات بعضی‌ها ارکان هستند. بعضی‌ها متعلقات و بعضی ضمیمه‌ی نمازند. هر بخش نماز ارکانی دارد که اگر سهوا یا عمدا نباشند نماز باطل است. متعلقات اگر عمدا فراموش شوند نماز باطل است ولی اگر سهوا فراموش شوند اشکالی ندارد. ضمائیم مستحبات و زینت نمازند. در زندگی ارکانی هست که چه عمدا یا سهوا نباشند، زندگی از حیز انتفاع خارج است. مثلاً در نماز اگر

رکوع، سجده نباشد یا چرخش از سمت قبله اتفاق بیفتد نماز باطل است. رکن موجب تمامیت است و واجبات برای کمال نماز است. تشهد و قرائت سهوا فراموش شوند نماز باطل نیست. در زندگی، ارکان موجب تمامیت، واجبات موجب کمال و مستحبات زینت زندگی اند.

نوع دوم دسته بندی: در نماز مقدماتی هست و خود نماز و موخرات و خاتمه پس از نماز. مقدمات مثل وضو، طهارت در لباس و موقعیت، اذان (اذن). از مقدمه، ارکان و خاتمه‌ی هر کاری طبق نماز پیش رود، آن کار می‌شود نماز. این همان الذینهم فی صلاتهم دائمون است. درس خواندن و کسب علم هم طهارت می‌خواهد، اذنی می‌خواهد.

خواهد. کتاب علل الشرایع، مسائل الشیعه و سر الصلاة امام خمینی (ره) در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد تا نماز بدرستی شناخته شود و در کارها تعمیم یابد.

قبله، نیت، طهارت از ارکان نمازند که اگر لحظه‌ای زائل شوند نماز دیگر نماز نیست و ارکانی هستند که در سراسر نماز هستند. این‌ها روح کلی نمازند.

۴ رکن دیگر هستند که مقطعی‌اند و در سراسر نماز نیستند. تکبیر، رکوع، سجده، قیام.

در ساختار نماز قبله، نیت، طهارت در مرکز توجه قرار می‌گیرند و ۴ رکن دیگر در اطراف مرکز توجه جا می‌گیرند.

این تصویر کلی ساختار نماز است.

اگر زندگی بخواهد تماما نماز شود باید در قدم اول مرکز توجهش درست شود. بعد ارکان (واجبات) در حول آن محور قرار گیرد. و مستحبات در اطراف آن قرار می‌گیرد. این شد شاکله‌ی اصلی.

نماز چیست؟ اساس عبودیت است. اصل عبودیت هم فهم نیاز است و رجوع به رافع نیاز. وقتی ساختار نماز را بررسی می‌کنیم در واقع داریم ساختار خلیفه الله را از منظر عبودیت کار می‌کنیم. نماز نسبتی است که هستی که نیاز است و خدا که رافع نیاز است. بعد نماز را در سیستم تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر آورده است.

یکبار ذات نماز بررسی شده و یکبار ارکان نماز باز شده‌اند و در مرحله‌ی بعد این دو در هم ضرب شده‌اند تا قابلیت تعمیم پیدا شود و نماز بشود ساختار زندگی انسان.

نیت: انگیزه و عزم درونی در راستای رفع نیاز

قیام: حرکت همه جانبه براساس جهت و نیت

تکبیر: آغاز حرکت برای رفع نیاز

قرائت: فهم حقیقت نیاز و رافع نیاز

رکوع: پذیرش رافع نیاز در راستای رفع نیاز

سجده: نهایت قرب نیاز به رافع نیاز

تشهد: مشاهده‌ی رافع نیاز از زاویه رفع نیاز

سلام: غایت نیل نیاز به رافع نیاز

دعا(قنوت): حقیقت عبادت

در ابتدا روایات هم در متن مسائل فقهی بودند ولی کم کم روایات از متون فقهی جدا شدند و فقط خود حکم در رساله‌های مراجع نوشته شد. ادبیات رساله با ادبیات روایت متفاوت است. برداشت فقهی از روایت درست است ولی نوع بیان این مطلب با نوع بیان روایت فرق دارد. مثلاً در رساله قنوت مستحب است و لباس پاکیزه برای نماز هم مستحب است. در رساله شأن قنوت مانند دیگر مستحبات نماز است ولی وقتی روایات را بخوانیم می بینیم که شأن قنوت با دیگر مستحبات قابل مقایسه نیست. قنوت اصل ارتباط با خداست. در روایت آمده که نماز بدون قنوت نماز نیست. این که فقیه از جامع روایات قنوت به استحباب رسیده درست است ولی شأن قنوت در ردیف دیگر مستحبات نیست. قنوت مخ عبادت است. باید لحن و ادبیات روایات را دید بخصوص روایات نماز.

نماز قابل مقایسه با هیچ عملی نیست. عبودیت فقط در نماز می‌تواند تجلی کامل پیدا کند. فهم حضرت سلیمان از نماز عیان است که نماز همه‌ی هستی زندگی است. در شرایطی که ایشان نتوانستند نماز را در وقتش بخوانند،

احساس نیازشان به نماز آنقدر زیاد بوده که خورشید مجاب شده است به عقب برگردد که حضرت سلیمان نماز بخوانند. جا داشت که انسان در این دنیا فقط نماز بخواند و هیچ کار دیگری نکند.

همه‌ی زندگی باید صورت نماز داشته باشد. جز با نماز نمی‌توان به غایت رسید.

برای هر کدام از مباحث سوره‌ای انتخاب شده است. برای بحث نیاز سوره توحید، خلیفه‌ی الهی جامع همه‌ی نیازها سوره‌ی نجم، عبادت سوره اسرا و زمر، طهارت سوره احزاب و واقعه، نیت سوره حج، قرائت سوره علق و حمد. همه‌ی مسائل نماز که درونی هستند در نماز جماعت صورت عینی و بیرونی پیدا کرده است و این مسئله بسیار مهمی است. از احکام نماز جماعت، احکام حکومت استخراج می‌شود.

ساعت دوم: (ارائه‌ی نکات دوستان کلاس)

یکی از روش‌هایی که استفاده کردند روش شبکه‌ی مفهومی بود یعنی مثلاً تکذیب دین را با سهو در نماز و... بررسی کرده‌اند تا به یک شبکه‌ی موضوعی رسیده‌اند.

یکی از کارهایی که می‌توان کرد این است که به اینجا برسیم که ساهون در نماز به ۷ یا ۸ کلمه تبدیل می‌شود و وقتی بررسی واژه‌ای به صورت منفک باشد (غمره) یک تفاوت‌هایی بین ساهون و آن کلمه وجود دارد در واقع ترجمه‌ی غمره به معنای گرداب یا ورطه است. برخی از واژه‌ها جنبه‌ی ادراکی و برخی هیجانی و برخی رفتاری‌اند، یعنی مثلاً سهو حالت توجهی دارد و غمره حالت نتیجه‌ای، خرص حالت ادراکی دارد، آن‌هایی که نقشه‌ی ساختار وجودی را می‌دانند کلمات را در این ساختار بچینند که بفهمند انسان از کجا است که به سهو می‌رسند، اول ادراک و سهو است و بعد هیجان‌ها درگیر می‌شود و در آخر نتیجه داریم؛ کار شما روی شکل‌شناسی آسیب‌های نماز می‌رود. آسیب‌ها هم هر کدام در یک فضا و محیطی وارد می‌شود و خاص یک رده‌ی سنی نیست.

بنابراین شما باید به تعداد محدودی واژه‌ی آسیب‌شناسانه برسید و آن‌ها را در ساختار وجودی بچینید.

نکته: نماز خودش شکل دارد و این درست است، همه‌ی اعمال انسان تجسم دارند حتی قرآن خواندن.

سوره‌ی معارج و مدثر دو سوره‌ای است که کلمه‌ی مصلین در آن‌ها آمده است.

چه موقعی بحث از آسیب‌شناسی وارد می‌شود و سوره‌ی ذاریات است. چه موقعی بحث ایجابی می‌شود و با سوره‌ی مومنون می‌خوانیم؟

اگر بخواهیم راهبردهای تربیتی بیاییم باید از مباحث آسیب‌شناسی وارد شویم تا آسیب برطرف شده و مسیر رشد تعیین شود. گاهی هم می‌خواهیم شاخص رشد تعیین کنیم مثلاً در این مرتبه نماز خیلی عالی و ... است که باید ایجابی بگوییم.

پس در مباحث تربیتی باید از مباحث سلبی و آسیب‌شناسانه توضیح دهیم مثلاً آفت‌های سهو در نماز و...

اگر کسی خواست شاخص تعیین کند برای برنامه‌ریزی و مراتب و مراحل، که ایجابی کار می‌کند مثلاً از کجا می‌فهمیم نماز ما مقبول است که بایستی سوره‌ی معارج و مومنون نماز دهد مثلاً هر اندازه انسان نسبت به عهد و

امانت مراعاتش بیشتر شود یعنی کیفیت نمازش بهبود یافته است، شاخص های اجتماعی سطح ارتقاء نماز ما را تعیین می کند.

سوالی از خواندن اذکار:

نمی توانیم همه ی اذکار را بخوانیم ولی به نظر می رسد که از تمامی اذکار یک قدر مطلق مفهومی بگیریم و یک مفهوم از تمام آن اذکار اراده کنیم، مثلاً وقتی امام صادق (علیه السلام) دعایی غیر از دعای پیامبر (صلی الله) می گویند یعنی دعای قبلی ارتقا پیدا کرده است؛ اگر شما دعایی پیدا کردید که امام زمان (عج الله) آن را بعد نمازهایشان می خوانند حتما ایشان دعا های قبلی را دیده اند و به زبان ما نزدیک تر است.

البته ما با این مفهوم گیری فاصله ی زیادی داریم.

به نظرم کسی می خواهد به چنین چیزی برسد باید کتاب من لایحضره الفقیه را بخواند، دو جلدش روایات راجع به نماز است. لازم است که انسان انس با ادبیات اهل بیت (علیهم السلام) را در مفاهیم معنوی پیدا کند. اگر کسی در رابطه با نجاسات دچار وسواس شود پس مشخص است روایات را نمی داند و تنها چیزی که در روایات، بی اهمیت ترین نشان داده شده است وسواس است.

وسواس ها به خاطر این است که فرد از دریچه ی روایات احکام را نخوانده است و وقتی از جایگاه اصلی اش خوانده نمی شود دچار مشکل می کند.

این خوب نیست که دست ما از روایات بریده شده است و اگر بگویند ۱۰ روایت راجع به نماز بگو ما همان روایاتی که همه می دانند را بگوییم.

هر کار خیری یک سری شرایط قبول لازم دارد و می توانیم بگوییم که فلان کار خیر است زیرا شبیه نماز است. یعنی کار خیر مقبول با شبیه شدن به ساختار نماز همراه است. اگر خواستید توحید و معاد و نبوت را تقویت کنید لازم است کار خیر را به نماز شبیه کنید و عموماً کار خیر ما شرایط قبول را ندارد و در آن دچار توهم می شویم.

می توانیم کارهایمان را در سیستم نمازهای صبح و ظهر و... بچینیم.

نماز خروج از ابهام در خیرشناسی است.

شما ابتدا خیر را در انتخاب و ترجیحش با تمثیلی (امامی) که نماز است مشخص می کنید و بعد کار خیر را انجام می دهید و این یعنی خیلی وقتها ما کار خیر نمی کنیم و ادعا داریم، چون شاخص نماز نیست دچار ابهام و توهم می شویم.

پیشنهاد: خوب است که یک سری جلسات روایت خوانی داشته باشیم. از هر موضوعی می توان به خوبی وارد نماز شد.

نکته ای دیگر که مطرح است: نماز در مواقع اضطرار است

نماز هیچ موقع از کسی ساقط نمی شود و این یک قاعده ی کلی است و یک تکلیف و قانون بدون ساقط شدن است ولی اجزای نماز کوتاه و بلند می شود. اگر اضطرار بود نماز چه سیری دارد و اگر اضطرار نبود چگونه است. که در روایات داریم که در نهایت اضطرار نماز ما نیت و تکبیره الاحرام می ماند. نیت و تکبیره الاحرام نمادی از احساس حضور است که انعطاف پذیر است. و این ساختار نماز را کرامت می نامیم یعنی هر زمان و مکانی می تواند احساس حضور را ایجاد کند. نمازها بدون قبله و یا با کوتاه و بلند شدن و غیره، انعطاف پذیراند و این نشان می دهد که می تواند دم دست ما باشد.

یکی از مشکلات ما این است که برخورد با نماز را یاد نگرفته ایم، نماز یک موضوع قدسی است و شرایطش بسیار است که چطور ما طهارت های نماز خواندنیمان را بهتر بدانیم و اجرا کنیم.

مکتب اهل بیت (علیهم السلام) این است که اشکال را می گویند و بعد با دعا آن را حل می کنند. و طلب ایجاد می کند، تفصیل، سوال برانگیز است.

روایت امام هادی (علیه السلام) که از امام علی (علیه السلام) نقل می کنند:^۱

وَ صَلَّى عَلَي دُرِّيَّةٍ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَ إِيَّاكَ دَعَوْتُ وَ فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَةِ وَ السَّهْوِ وَ الْعَفْلَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ النَّسْيَانِ وَ الْمُدَافَعَةِ وَ الرِّبَاءِ وَ السُّمْعَةِ وَ الرِّيبِ وَ الْفِكْرَةِ وَ الشُّكِّ وَ الْمَشْغَلَةِ وَ اللَّحْظَةِ الْمُلهِيَةِ عَنِ إِقَامَةِ فَرَائِضِكَ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ مَكَانَ نُقْصَانِهَا تَمَامًا وَ عَجَلَتِي تَبْتَأً وَ تَمَسُّكًا وَ سَهْوِي تَقْطَاطًا وَ عَفْلَتِي تَذَكُّرًا وَ كَسَلِي نَشَاطًا وَ فِتْرَتِي قُوَّةً وَ نَسْيَانِي

^۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص: ۸۰

مُحَافَظَةً وَ مَدَافَعَتِي مُوَاطَبَةً وَ رِيَائِي إِخْلَاصاً وَ سَمْعَتِي تَسْتِراً وَ رَبِّي تَبَاتاً وَ فِكْرِي خُشُوعاً وَ شَكِّي يَقِيناً وَ تَشَاغُلِي فَرَاغاً
 وَ لِحَاطِي خُشُوعاً فَإِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَ إِيَّاكَ دَعَوْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ
 وَ مَا عِنْدَكَ طَلَبْتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَهً تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي وَ
 تُضَاعِفُ بِهَا حَسَنَاتِي وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي وَ تُكْرِمُ مَقَامِي وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَ تُزَكِّي بِهَا عَمَلِي وَ تَحْطُ بِهَا وَزْرِي وَ تُقْبِلُ
 بِهَا فَرَضِي وَ نَفْلِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

وجه مشترک من و نماز این خصوصیات می شود که به تفصیل امام (علیه السلام) شناخته و به ما شناسانده است. اگر به ما بگویند که گپ های نمازتان چیست می گوئیم حواسمان نیست، حواسمان جای دیگر است و تفصیل نداریم.

می توانیم با یک چنین روایاتی ساختار وجودی نوشت، انسان چقدر لایه های گپ و نیاز دارد. اینکه با یک روایت اینقدر تفصیل ببینیم و نیاز سنجی شده است بسیار جالب توجه است.

۱- نُفَصَّانَهَا تَمَاماً: نقصان همان ظاهر و ساختار نماز را می گوید.

۲- عَجَلَتِي تَثْبِتًا وَ تَمَسُّكَ تَمَسُّكٌ: حالتی که غذا در معده می ماند که هضم و جذب شود، یعنی حالتی از ماندن.

۳- سَهْوِي تَيَقُّظًا: یعنی بیدار شدن از سهو.

۴- عَقْلَتِي تَذَكُّراً

۵- وَ كَسَلِي نَشَاطاً

۶- وَ قَتْرَتِي قُوَّةً

۷- وَ نِسْيَانِي مُحَافَظَةً وَ

۸- مَدَافَعَتِي مُوَاطَبَةً: مدافعه یعنی از دست رفتن

۹- وَ رِيَائِي إِخْلَاصاً

۱۰- وَ سَمْعَتِي تَسْتِراً: انسان ها دوست دارند که از ش تعریف کنند که این یعنی سمعه.

۱۱- وَ رَبِّي تَبَاتاً

۱۲- وَ فِكْرِي خُشُوعاً

۱۳- وَ شَكِّي يَقِيناً

۱۴- وَ تَشَاغُلِي فَرَاغاً: یعنی فراغت از مشغله ها.

۱۵- وَ لِحَاطِي خُشُوعاً: یعنی گاهی در نماز زیرچشمی چایی دم می کنند و این یعنی لحاظ.

وقتی که می گوید و دعا می کند یعنی همین مقدار که به این گپ‌ها اطلاع داشته باشد علم تفصیلی می شود. اهل بیت (علیهم السلام) کار تولید نیاز می کنند و دهنده‌ی نیاز خداست. این جا شما ۱۵ واژه دیده‌اید که تقریباً خیلی شبیه هم هستند ولی اینکه توانسته که جدا جدا بیارد مهم می شود، مثلاً لیل لباسا و لیل سباتا در سوره‌ی نبا است.

فَأِنِّي لَكَ صَلِّيتُ وَإِيَّاكَ دَعَوْتُ وَوَجَّهْتُ رَأْسِي إِلَيْكَ وَتَوَجَّهْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَمَا عِنْدَكَ طَلَبْتُ: که ۷ تا مولفه‌ی جدید اضافه می کند و طلب و توجه و توکل را از هم تفکیک می دهد.

یک فرضیه این است که نماز ما دارای صلیت و توجه و ایمان و توکل و طلب باشد.

مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَدُعَائِي رَحْمَةً وَبَرَكَهَةً تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي وَتُضَاعِفُ بِهَا حَسَنَاتِي وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي وَتُكْرِمُ مَقَامِي وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَتُرَكِّي بِهَا عَمَلِي وَتَحْطُطُ بِهَا وَزْرِي وَتُقْبِلُ بِهَا فَرَضِي وَنَفْلِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

فرض و نفل یعنی فرضیه و نافله.

این دعای بسیار جالبی است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ ثَوَابَ صَلَاتِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَالِصًا مُخْلِصًا وَافَقَ مِنْكَ رَحْمَةً وَإِجَابَةً وَأَفْعَلْ بِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْ خَيْرٍ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسَعَهُ مَا عِنْدَكَ إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ وَصَلِّ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَنَعِيمِهَا إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

یعنی این نمازی که ۱۵ ایراد داشته است می تواند چنین ترفیعی پیدا کند و فرض این است که با دعا تمام آسیب‌های نماز رفع شده است.

سوال: اگر یک کار خیری انجام می دهد ولی نیتش خدا نیست. آیا این کار خیر نیست؟ باید این را در سنین رشد بگذاریم و نماز و کار خوب مراتب پیدا می کند. همین مقدار که مثلاً کودک بداند نماز امر خداست کافی می شود و در مرتبه‌ی دیگر لازم است که تفصیل بیشتری از نیت داشته باشد.

جمع بندی:

شما موضوع نماز را به عنوان یکی از موضوعات دینی انتخاب کرده‌اید، زیرا نماز در دین محور است. اختلال در نماز اختلال در دین است، اصلاح نماز، اصلاح دین است. نماز امری است که دارای مراتب است و مراتبش با مراتب انسان هماهنگ است.

دو شیوه‌ی کلی اتخاذ شد: برخی جستجوی موضوع در سوره‌ها کار کردند، برخی موضوع را براساس پرسش‌هایشان شروع کردند.

در هر دو قسم، دو شیوه‌ی کلی حاکم بود، عده‌ای آمدند هر دو حالت را به سبک آسیب‌شناسی کار کردند و برخی به سبک ایجابی کار کردند که اینجا خود این حالت‌های مختلفی می‌شود، که کارهای آسیب‌شناسی بیشتر کاربردی و مهارتی و کارهای ایجابی بیشتر بنیادی می‌شود.

اینهایی که ساختاری کار کردند یک سطح میانه اتخاذ کردند، یک شیوه‌ی میانه را بر می‌گزیند که یک ساختار (رشد یا ذکر یا انسان) را که قرآنی است انتخاب می‌کنند و در این سیر میانه و ساختار حرکت کردند.

کارها هر کدام شناسنامه دارد و برطبق قواعد خودش باید پیش برود.

در قسمتی باید نیازها و سوالات یادداشت شود و وارد قرآن شوید.

در قسمتی سوره‌ها به شما سوال و جواب سوال می‌دهد.

و در قسمتی ساختارمند باید عمل کنید.

برای اینکه کار کنید باید وقت بگذارید، کارهای ساختاری که نوعاً راحت‌تر است ولی وقت بیشتری می‌گیرد.

کارهای سوره‌ای بیشتر بنیادین می‌ماند که باید با روایات راهبرد و کاربرد تولید شود.

این‌ها نیاز به زمان‌گذاری برای کار پژوهشی دارد. عملاً اگر ۴۰ ساعت در هفته وقت بگذارید یک فصل می‌تواند کار کند.

نمی‌توانیم کل وقت کلاس را روی گزارش‌ها بگذاریم و در حد گزارش‌دهی است. ولی قصد ما این است که نماز هم وارد تعلیم و تربیت شود و هم حوزه‌ی رسانه و هم بقیه. یعنی در کلیه‌ی مدارس وارد شود. حتی طرح این موضوع هم مهم می‌شود که اگر کار هم نمی‌شود ولی طرح پژوهش که اهمیت و محوری بودن موضوع مد نظرشان است باید چگونه باشد، راجع به آن فکر کنید. ساختاری بهتر است یا سوره‌ای و یا ...

طرح پژوهش یعنی مراحل پژوهش مشخص شود.

مثلاً سن در تعلیم و تزکیه وارد می‌شود.

مثلاً علوم پایه به صورت بررسی تکوین نماز است. که تسبیح و تحمید تکوینی که آیاتی هم دارد.

بچه‌هایی که رشته‌ی زیست‌شناسی‌اند بسیار خوب می‌توانند روی سوره‌اعلی کار کنند.

نماز مثل باران می‌ماند که در ظرف‌های مختلف متفاوت می‌شود و شبیه‌ترین پدیده‌ها به آن آب است.

جاری شدن ذکر در نماز مثل باران است که این ذکر در نماز ظهر و عصر خاص خود آن‌ها می‌شود.

و لذكر الله اكبر یعنی جنبه‌ی ذکریت

طرح پژوهش برای افرادی است که اولویت انجام خود پژوهش را ندارد، و مثلاً سوره‌ی ماعون ثمره‌اش ۱۰ طرح پژوهشی است.

یک راه این است که کارهای پژوهشی انجام شود و یک کار این است که طرح‌های پژوهشی استخراج کنید.

کسی که به خوبی طرح‌های پژوهش ارائه می‌دهد نشان می‌دهد که کار پژوهشی هم به خوبی می‌تواند انجام دهد.

تا وقتی سطح اطلاعات انسان‌ها از نماز همین است، نماز در جامعه ارتقا نمی‌یابد.

کارهایی که باید انجام شود:

همه‌ی افراد راجع به موضوع‌بندی سوره فکر کنند و شیوه‌ی موضوع‌بندی را یاد بگیرند: مثلاً راجع به نماز ۱۰ سیر می‌توان تصویر کرد مثل سهو در نماز و... موضوع‌بندی را باید همه‌ی افراد بدانند و تا زمانی که دست به قلم نشوند نمی‌توانند موضوع استخراج کنند.

افراد باید بدانند که طهارتی یا کاربردی یا ساختاری هستند. مثلاً ذهن استاد چیت چیان کاملاً ساختاری است.

پژوهش در بستر جمع می‌تواند مشکلاتی را برطرف کند و مجموعی از کاربردی و ساختاری و بنیادی شود، تا مثلاً ۵ کتاب درباره‌ی نماز داریم که هر کسی براساس ذهنیتش نوشته است و بعد از آن یک کسی ۵ کتاب را تلفیق می‌کند و کتابی کلی استخراج می‌شود.

پس این قسمت در ذهنتان باشد. موضوع نماز امری مفتوح خواهد بود. سعی کنید به آن فکر کنید که خواهید فهمید که بعد از مدتی ۵ اثر خواهید داشت که به خوبی نواقص آن برطرف خواهد شد.

دلیل این که پژوهش‌ها به صورت جمعی باشد برای این است که موضوعاتی که در جامعه مطرح می‌شود، به صورت‌های مختلف قابل بررسی است.

استاد می‌گوید که کار کردن شما بسیار مهم است و شما می‌گویید که شما بمانید در میدان!

نتیجه: هر کسی فعالیت خودش را تا هفته‌ی دیگر انجام دهد و اگر تا هفته‌ی بعد جمع فعال شد ما هم نظرات خودمان را ارائه می‌دهیم، و اگر کار جمع پیش نرود کار ما هم ارائه نخواهد شد. هدف فعال شدن جمع است.

این مشروط به این است که افراد باید یک زمانی داشته باشند در حالی که این کار اولویت ۵ ام و ۶ ام است. کار جمعی موجب می‌شود که یک فرد و سخنانش محور نشود زیرا ممکن است که افکار فرد دیگری محور باشد. بنابراین کلاس‌ها باید موجب رشد افکار و تضارب آرا باشد. باید در همین بستر تنوع و تعددی وجود داشته باشد زیرا افراد فکر می‌کنند که باید یک ذائقه را بپذیرند و ذائقه‌های خود را دست کم می‌گیرند.

برای هفته‌های آینده این طور است که هر کسی کار بکند و این جا ارائه می‌دهیم و بررسی می‌کنیم و نهایتاً المیزان سوره را می‌خوانیم و سوره‌های بعد هم اینطور... .

نباید تک صدا باشیم، که وقتی بیرون رفتیم و صدایی دیگر را شنیدیم اینطور نباشد که آن را نپذیریم.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات